ضمیمه ۳

مَثل شخم زننده

داستان "شخم زننده" در لوقا ۹: ٦١-٦٢ آمده است و در مورد شاگردسازی در ملکوت خدا می باشد.

بخوانید: لوقا ۹: ٥١-٦٢

۱- درك داستان طبیعی مثل

گفتگو کنید: چه عناصری در داستان مطابق واقعیات زندگی روزمره‌اند؟
ملاحظات: شخم، در زمان عیسی شامل یک چوب قوی بود که به گاو محکم بسته میشد. قسمت پائینی این چوب، تیز بود و به عنوان همان شخم استفاده میشد. که توسط گاو کشیده میشد. قسمت بالائی چوب، دسته ای بود، که برای هدایت شخم مورد استفاده قرار میگرفت. به هرحال، اگر شخص به جای اینکه به جلو نگاه کند، به عقب می نگریست، نمیتوانست مستقیم شخم بزند. اگر اشتباهی کرده و میخواست که آن را درست کند، او میبایست کلا از کار دست کشیده و شخم را رها کند، تا بتواند به عقب بنگرد و برگشته اشتباهش را درست کند. ولی ممکن نبود که درحال شخم زدن در یک مسیر، شخصی به پشت سرش نگاه کند.

۲- بررسی چارچوب آنی مَثل و تعیین عناصر آن

کشف و گفتگو کنید: زمینه، داستان و توضیح یا کاربرد مثل چیست؟
ملاحظات:
الف) زمینه مَثل در لوقا ۹: ٥١-٦١ آمده است. در آیه ٥١، عیسی رو به اورشلیم میکند. قصد او این بود که به آنجا برود و جانش را برای همه آنانی که به او ایمان میآورند، فدا کند. این تصمیم و قصد عیسی با تصمیم و هدف آن سه فردی که میخواستند شاگرد او شوند، فرق داشت. تمامی پیغام ارتباط بین لوقا ۹: ۲۲ و ۹: ۲۳-۲٤ را نمایانگر میکند. در پیغام اول عیسی میگوید: "لازم است که پسر انسان متحمل رنجهای سختی شود و مشایخ یهود، سران کاهنان و ملایان یهود او را رد کنند و او کشته شود و در روز سوم باز زنده گردد." در پیغام دوم او به همه میگوید: "اگر کسی بخواهد پیرو من باشد باید دست از جهان بشوید و همه روزه صلیب خود را بردارد و با من بیاید. هرکه بخواهد جان خود را حفظ کند آن را از دست خواهد داد اما هرکه بخاطر من جان خود را فدا کند آن را نگاه خواهد داشت." مانند این است که عیسی میخواهد بگوید که تصمیم و قصد خود او بایستی برای همه شاگردان مسیحی نمونه ای باشد در اینکه قصد و هدف جدی داشته باشند.
تعالیم عیسی مربوط به شاگردسازی از این قرار است:
اولین چهار مشخصه و ویژگی برای یک شاگرد حقیقی، در لوقا ١٤: ٢٦، ٢٧، ٣٣، ٣٤-٣٥ یافت میشوند.
پنجمین ویژگی یک شاگرد حقیقی این است که به پشت سر نگاه نکند. شاگرد حقیقی تصمیم گرفته که به طور کامل تا به آخر نسبت به عیسی مسیح متعهد باشد.
این ویژگیها در ارتباط با کمبود تصمیم و هدف قاطع در سه مورد افرادی که در اینجا میخواستند شاگرد شوند، تأکید میشوند.
۱) اولین شاگرد متقاضی بیش از حد مشتاق بود که از عیسی پیروی کند. او از حساب کردن بها و قیمت شاگردی غفلت کرده بود. او دید که مردم عیسی را دنبال میکنند، معجزات و اشتیاق مردم را دید و او میخواست به طور نزدیک در کنار عیسی که مرکز تمامی این اعمال بود، باشد. ولی همانطور که داستان انجیل ادامه پیدا می کند، ایالت یهودا مسیح را رد کرد (یوحنا ٥: ١٨)، ایالت جلیل او را بیرون میکند (یوحنا ٦: ٦٦)، منطقه جدریه از او التماس کرد تا آنجا را ترک کند (متی ۸: ٣٤)، ایالت سامریه از جا دادن به او خودداری میکند (لوقا ۹: ٥٣)، زمین او را نمیخواست (متی ۲۷: ۲۳)، و سرانجام حتی آسمان او را تنها گذاشت (متی ۲۷: ٤٦). شاگردی صادقانه و خالص نیاز به پذیرش درگیریها، رد شدن و رنج بردن دارد.
۲) دومین شاگرد متقاضی آماده نبود که از عیسی پیروی کند. از یک سو میخواست همچون رسولان یک پیروی نزدیک به عیسی باشد. و از سوی دیگر شرط خودش را برای پیروی از عیسی قرار داده بود. او اول میخواست که رفته و پدرش که تازه مرده بود را دفن کند. عیسی میخواست در فکر این فرد خاص تأثیر گذارد تا او متوجه این واقعیت شود که عیسی مسیح خداوند مقتدر میباشد. و شخص باید او را کاملاً و بدون قید و شرط و بی استثنا، اطاعت کند. او میخواست که این مرد متوجه شود که در پادشاهی خدا، خانواده روحانی مهمتر از خانواده دنیوی است. دقت کنید که عیسی این مطلب را به یک شاگرد متقاضی پیروی از مسیح میگوید و نه به هر که گوش می کند. عیسی نمیگوید که مسیحیان نباید احتیاجات والدین خود را، آماده کنند یا آنها را دفن نکنند. ولی عیسی میگوید که مسیحی باید عیسی را بیشتر از والدین خود دوست داشته باشد. یک شاگرد باید عیسی را بی قید و شرط اطاعت کند.
۳) سومین شاگرد متقاضی خودش را به اندازه کافی نمی شناخت. عیسی قادر بود چیزی که این شخص نمیدید را ببیند (یوحنا ۲: ۲٥). او قادر بود که قلب این مرد را جستجو کند و ذهنش را بخواند. عیسی میدانست که وقتی که این شخص به خانه برود همچون طعمه آنجا گرفتار شده و در گیر مسائل خانه و احساسات نسبت به خانواده شده، دیگر اشتیاق کافی نخواهد داشت که عیسی را پیروی کند و به دیگر شاگردان بپیوندد. در این نقطه بود که عیسی داستان شخم زننده را گفت.

ب) داستان این مَثَل در لوقا ۹: ٦٢ نوشته شده است.

پ) توضیح و کاربرد داستان در کتاب امثال سلیمان نیز وجود دارد. این نصیحتی ثبت شده است، "وقتی که دست به شخم زده ای، هرگز به پشت سر نگاه نکن! در غیر این صورت، شایسه شخم زدن نیستی! "

۳- تعیین جزئیات مربوط و نامربوط در مثل

مقدمه: قصد عیسی این نبود که تمامی جزئیاتِ مثل‌هایش دارای مفهوم روحانی باشند. جزئیاتِ مربوط یا اصلی در داستان مثل آن دسته از جزئیات هستند که درس اصلی مثل را استحکام می‌بخشند. بنابراین، نباید برای هر یك از جزئیات مثل، معنای روحانی مستقلی قائل شویم.
کشف و گفتگو کنید: کدامیك از جزئیاتِ این مَثَل واقعاً اصلی یا مربوط می‌باشند؟
ملاحظات: عیسی به هیچ کدام از جزئیات معنای مخصوصی نمیدند. بنابراین جزئیات باید نسبت به متن درک بشوند.

الف) کسی که دستش را بر شخم میبرد، مشخصا شخصی است که اشتیاق و تقاضا دارد شاگرد عیسی مسیح باشد "دست به شخم بردن" یعنی تصمیم گرفتن و مصمم شدن به اینکه شاگرد عیسی مسیح شد.

ب) به عقب نگاه کردن، نقطه و پیغام اصلی مَثَل است. این کاری است که آن سه شخص متقاضی برای شاگرد شدن انجام میدادند، هر کدام به طریق خود این را انجام میداد. اولین شخص تصمیم گرفت تا عیسی مسیح را پیروی کند، بدون در نظر گرفتن بهای این کار و او بعداً برگشته به آن نگاه میکرد. دومین شخص میخواست که عیسی مسیح را فقط بر طبق شرایط خاص پیروی کند، و او نگران مسئولیتهای خانوادگی خود بود و به آنان نگاه میکرد. سومین شخص هم میخواست که عیسی مسیح را پیروی کند، بدون در نظر گرفتن اثر منفی که خانواده اش میتوانند بر او بگذارند و او نیز به اشخاصی که او آنها را مهمتر از عیسی مسیح و پیروی از او میدانست، نگاه میکرد.

پ) شایسته نبودن برای خدمت در پادشاهی خدا، هدف خود عیسی از گفتن و کاربرد این مثال یا داستان بود. افرادی که کاملاً متعهد و مصمم برای پیروی از عیسی مسیح نیستند، شایسته برای خدمت در ملکوت خدا نمی باشند.

۴- تشخیص پیام اصلی مثل

گفتگو کنید: پیام اصلی این مثل چیست؟
ملاحظات: داستان شخم زننده، در مورد" شاگردی در پادشاهی خدا" تعلیم میدهد.
پیغام اصلی داستان اینچنین است: "هر شخص مسئول است که بماند و ازصمیم قلب حاظر باشد تا عیسی مسیح را پیروی کند و تا آخر شاگرد وی باشد."
"شاگردی، یکی از ویژگیهای اصلی پادشاهی خدا میباشد. افراد راستین پادشاهی خدا این قصد و تصمیم را دارند که به طور کامل به عیسی مسیح تسلیم شده و نسبت به او متعهد باشند. قلب انسان در این مَثَل تقسیم شده است. از یک طرف میخواست که عیسی مسیح را پیروی کند، از طرف دیگر میخواست خانواده اش را قانع کند. عیسی مسیح، در شاگردی تمام وجود و تعهدی را میخواهد که تقسیم شده نباشد. شاگرد باید بها و قیمت شاگرد شدن عیسی را محاسبه کند. او باید تصمیم بگیرد و خودش را به عیسی مسیح بسپارد. و هر روز عیسی را همچون شاگردانش پیروی کند، و به جلو نگاه کند. عیسی خواستار تعهدی از صمیم قلب برای شاگردی است.

۵- مقاسه مثل با قسمتهای مشابه و متضاد در کتاب مقدس

کشف کنید: چگونه تعلیم هر یک از این متنهای کتاب مقدس با تعلیم موجود در خود مثل مقایسه میشود؟
الف) **بخوانید:** یوشع ۲٤: ۱۵.
ملاحظات: قوم اسرائیل، قومی بود که فراخوانده شده بود تا فقط خداوند را خدمت کند، ولی وسوسه دائمی برای ایشان این بود که بتها و خدایان اقوام بیگانه ای که اسرائیلیها در سرزمین آنها زندگی میکردند را، بپرستند. بطور مداوم فشاری وجود داشت که با اقوام همسایه خود سازش کنند. سردار اسرائیل، یوشع، گفت: "امروز تصمیم خود را بگیرید. آیا می خواهید از خداوند پیروی کنید. بتهائیرا که زمانی اجدادتان در آن سوی رود فرات و در مصر پرستش می نمودند، از خود دور کنید و فقط خداوند را عبادت نمایید." یا میخواهید از خدایان اموریها که اکنون در سرزمین آنان زندگی میکنید اطاعت کنید. اما من و خانواده ام خداوند را خدمت خواهیم کرد. او مردم اسرائیل را به این وا داشت که یا خداوند را پرستش و خدمت نمایند و یا بتهای اطرافشان را. بیطرف بودن امری غیر ممکن بود.
ب) **بخوانید:** اول پادشاهان ۱۸: ۱٦-٤۰.

ملاحظات: قوم اسرائیل فرا خوانده شده بودند تا فقط خداوند را پرستش کنند، ولی آنها در واقع میخواستند بتها را خدمت کنند، مخصوصا بت بعل را. قلب ایشان بین خدا و بعل ها تقسیم شده بود. ایلیای نبی گفت : " تا کی می خواهید هم خدا را بپرستید و هم بتها را؟ اگر خداوند خداست، او را اطاعت کنید و اگر بعل خداست، او را پیروی کنید." (اول پادشاهان ۱۸: ۲۱) او مردم اسرائیل را به این وا داشت که در مورد اینکه یا خداوند را پرستش نمایند و یا بتهای اطرافشان را عهد ببندند. بیطرف بودن امری غیر ممکن بود.

پ) **بخوانید:** فیلیپیان ۳: ۱۲-۱٤ را بخوانید.
ملاحظات: پولس رسول عهدی بسته بود که تمام زندگیش بر زمین را مشخص میکرد. او یک کار کرد و آن این بود که گذشته را فراموش کند و به آنچه در پیش است بنگرد. او بطور مداوم به هدف زندگیش نگاه میکرد. این نکته همچنین در مزمور ۲۷: ٤ و یوحنا ۹: ۲۵ یافت میشود.

ضمیمه ۴

شریعت و احکام در کتاب مقدس

کلمه شریعت (به زبان یونانی: نوموس nomos)، در کتاب مقدس دارای معانی مختلف میباشد. برای درک رساله رومیان، باید فرق بین این معانی را متوجه شویم.

۱- شریعت بعنوان ضرورت مطلق خدا برای نجات و استاندارد مطلق محکومیت

شریعت شامل احکام، تعالیم، اصول اخلاقی و نمونه ها در کتاب مقدس میباشد، که به طور کلی همان کتاب مقدس است. این بیان و تصویری شفاف و کامل از شخصیت و اراده خدا است. بنابراین شریعت، طبیعت خدا، بیان شده در دستورات است.
در مفهوم مطلق، شریعت ضرورت مطلق خدا برای نجات است، فرمان حاکم مطلق خدا برای زندگی و استاندارد مطلق خدا برای داوری و محکومیت میباشد. از آنجا که خدا به طور مطلق، مقدس و عادل است، او میخواهد و دستور میدهد که همه مردم موقعیتی کامل (۱۰۰%) و عادل در مقابل او داشته باشند، و اینکه همه مردم بطور واقعی کامل (۱۰۰%)، مقدس و نیک در حضور او زندگی کنند (اول پطرس ۱: ۱۵-۱۶) و همچنین تمامی گناهان بطور مطلق (۱۰۰%) محکوم و مجازات میشوند (جامعه ۱۴: ۱۲). هر چیز به جز این کاملیت، خطا در هدف خدا برای انسان است. (متی ۵: ۴۸). کامل نبودن همان بدون شریعت بودن است (اول یوحنا ۳: ۴) و باعث مجازات انسان توسط خدا می شود (غلاطیان ۳: ۱۰، یعقوب ۲: ۱۰).
شریعت خدا هرگز مثل شریعت انسان نیست که ممکن باشد در آن با ۷۰% هم قبول شد. بر بنای شریعت خدا، شما یا ۱۰۰% نجات دارید و یا رد شده و تا ابد محکوم می باشید. این موضوع واضح است که هیچ انسانی روی زمین هرگز نخواهد توانست راهی بیابد که توسط نگاه داشتن شریعت، بیشتر کامل شود، هیچ انسانی هرگز نمیتواند در امتحان بزرگ نجات قبول شود (رومیان ۳: ۲۳). اما همچنین واضح است که اگر خدا با فیض توسط ایمان، به ایمانداران یک موقعیت رسمی کامل (۱۰۰%)، مقدس، عادل در عیسی مسیح ندهد، هیچکس هرگز نمیتواند نجات پیدا کند (اول قرنتیان ۱: ۳۰؛ ۲، دوم قرنتیان ۵: ۲۱).

این است معنای شریعت یا احکام خدا در آیات زیر: رومیان ۲: ۱۴-۱۵؛ ۳: ۱۹-۲۱؛ ۴: ۱۳-۱۵؛ ۶: ۱۴-۱۵؛ ۷: ۱،۴، ۶؛ ۸: ۳، ۴، ۷؛ ۱۰: ۴-۵؛ غلاطیان ۲: ۱۹، ۲۱؛ ۳: ۲، ۵، ۱۰-۱۳؛ ۵: ۱۸.

الف) شریعت نمایانگر شخصیت و خواست خدا است. هیچکس با رعایت و نگاه داشتن شریعت عادل محسوب نمیشود.
شریعت شامل شخصیتها، تعالیم، دستورات و اصول اخلاقی و نمونه ها در کتاب مقدس میباشد، که به طور کلی همان کتاب مقدس است. این بیان و تصویری شفاف و کامل از شخصیت و اراده خدا است. بنابراین شریعت، طبیعت خدا، بیان شده در دستورات است. در حقیقت شریعت، طبیعت مکشوف شده خدا در احکام است. در مفهوم مطلق، شریعت ضرورت مطلق خدا برای نجات است، فرمان حاکم مطلق خدا برای زندگی و استاندارد و معیار مطلق خدا برای داوری و محکومیت میباشد. شریعت خواهان اطاعت کامل است (غلاطیان ۳: ۱۰؛ ۵: ۳؛ یعقوب ۲: ۱۰؛ اول یوحنا ۳: ۴). قبل از سقوط در گناه، شریعت برای دادن زندگی راستین و داشتن حیات جاودانی بود (لاویان ۱۸: ۵؛ رومیان ۷: ۱۰؛ ۱۰: ۵؛ غلاطیان ۳: ۱۲). بعد از سقوط در گناه، شریعت نمیتواند بی ایمانان را نجات دهد، زیرا بی ایمانان خود را به طور صددرصد به شریعت خدا تسلیم نمیکنند، و نمیتوانند خود را صددرصد تسلیم شریعت خدا بگرداند (رومیان ۸: ۷-۸). بعد از سقوط در گناه، حتی ایمانداران نیز نمیتوانند به طور صددرصد از ضروریات شریعت خدا اطاعت کنند (یعقوب ۲: ۱۰)، با اینکه حتی قدوسیت و عدالت خدا، خواستار این است (لاویان ۱۸: ۵). خدا در طول تاریخ و در دنیا، هیچ انسانی را با انجام شریعت و بخاطر حفظ احکام و فرمانها عادل محسوب نخواهد کرد (رومیان ۳: ۱۹-۲۰، ۲۸؛ غلاطیان ۲: ۱۶).

ب) شریعت بر تمام مردم آشکار شده است. سعی و تلاش برای رعایت و حفظ شریعت، لعنتی است برای همگان.
شریعت، به عنوان ضرورت خدا برای نجات و رستگاری و معیار خدا برای محکومیت، به آدم قبل از اینکه گناه کند داده شد (غلاطیان ۲: ۱۶- ۱۷). همچنین به تمام مردم در قلبهایشان داده شده است (رومیان ۲: ۱۴-۱۵؛ ۱: ۳۲)، بطوریکه، هیچکس نمیتواند عذر و بهانه ای داشته باشد (رومیان ۳: ۱۹). به صورت کتبی به موسی و قوم اسرائیل داده شد (لاویان ۱۸: ۵؛ تثنیه ۴: ۱؛ ۶: ۲۴؛ نحمیا ۹: ۲۹؛ حزقیال ۲۰: ۱۱، ۱۳، ۲۱؛ رومیان ۱۰: ۵). اما، بعد از سقوط انسان در گناه، شریعت هرگز نمیتواند به کسی حیات ببخشد، زیرا هیچکس نمیتواند شریعت را به طور کامل (۱۰۰%) نگاه دارد. تلاش برای رعایت و حفظ شریعت، تبدیل به یک لعنت و مصیبت میشود، که فقط عیسی مسیح میتواند مردم را از آن نجات دهد (غلاطیان ۳: ۱۰-۲۵).

پ) شریعت شامل تمام مکاشفه عهد عتیق یا پیمان عهد عتیق میباشد.
برای یهودیان در دوره عهد جدید، شریعت، تمام عهد عتیق بود، و مخصوصا شریعت موسایی در عهد عتیق. شریعت، مطالبات یا ضروریات عادلانه و مقدس مطلق خدا بود که در شریعت و احکام اخلاقی، قوانین تشریفاتی و قوانین مدنی اسرائیل خلاصه شده بود. برای یهودیان بخصوص این احکام و قوانین بودند که بواسطه معلمین شریعت (ربی ها و روحانیت یهود) تفسیر شده و

با سنتهای آنان گسترده میشدند. فرامین اخلاقی (ده فرمان) در طول دوره عهد عتیق به مردم یاد داد که خدا چطور میخواهد آنها زندگی پاک و مقدس به عنوان قوم خدا در رابطه با خدا و همسایگان خود داشته باشند. قوانین تشریفاتی (که مربوط به افراد مقدس، مکانهای مقدس، زمانهای مقدس و اعمال مقدس بود) در طول دوره عهد عتیق به مردم یاد داد تا چطور به خدا نزدیک شده و خدا را پرستش نمایند. قوانین مدنی (که مربوط به پادشاه و قضات، قوانین جزا و کیفر و تاوان بود) در طول دوره عهد عتیق به مردم یاد میداد تا چطور به شکل قوم خاص خدا در میان امتهای بت پرست باشند. اما یهودیان به اشتباه به این ایمان داشتند که رعایت و نگاه داشتن احکام موسی میتواند آنها را نجات دهد. رهائی از شریعت و هر مدل شریعت و قانون دیگر، که شرطی برای رستگاری و نجات مردم است در رهائی از "پیمان قدیم" یا همان شریعت موسایی (کد نوشته شده) عهد عتیق، بیان و توصیف شده است (رومیان ۷: ٦؛ غلاطیان ۳: ۱۰؛ ۵: ۳؛ عبرانیان ۷: ۱۲، ۱٦، ۱۸-۱۹؛ ۸: ۵-۱۳؛ ۱۰: ۱-٤).

ت) <u>شریعت بوسیله تفسیرها و سنتهای معلمین یهود گسترده شده و افزایش یافته بود.</u>
در مَثَل "کور راهنمای کور است" در درس ۲۵، به "سنت مشایخ" نگاه کنید. عیسی مسیح و رسولان وی، تعالیم اضافی، سنتها، و تفسیرهای معلمین یهود را در مورد شریعت رد کردند (متی ۱۵: ٦-۹؛ ۲۳: ٤؛ اعمال رسولان ۱۵: ۱، ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱-٤). صدها قوانین مذهبی که توسط رهبران مذهبی ساخته شده اند، نمیتوانند خدا را خشنود کنند و نمیتوانند هیچکس را از گناهانش نجات دهند.

ث) <u>شریعتِ تفسیر شده بواسطه قانون مداران.</u>
افرادی در گذشته بوده اند که تعلیم میدادند که ایماندار فقط نسبت به شریعت تشریفاتی بعنوان شرط نجات (با توجه به تفسیر آنها از رومیان ۷: ٤، ٦) مرده است. به نظر ایشان، عهد جدید، "شریعت روحانی"، یعنی انجیل، که همه میتوانند آن را نگاه دارند، جای عهد عتیق، "شریعت"، را گرفته که هیچکس نمیتوانست آن را نگاه دارد. به نظر آنها، این شریعت روحانی شامل ایمان <u>بعلاوه</u> اطاعت از فرامین انجیل است. آنها بر این ایمان داشتند که شخص زمانی نجات دارد که به عیسی مسیح ایمان می آورد <u>و همچنین</u> از دستورات اخلاقی اطاعت میکند. پیغام آنها این است که نجات مطلقاً بستگی دارد به ایمان <u>بعلاوه</u> کاری که ایماندار باید انجام دهد. به این صورت، بعضی از مردم، عضو یک فرقه خاص شدن، یا شیوه خاصی برای تعمید داشتن، و یا روش مشخصی برای یک زندگی تقدیس شده، را یک ضرورت مطلق برای نجات می بینند.
رساله به رومیان تمامی این اندیشه ها را رد میکند. مردم نجات پیدا میکنند، نه به خاطر کاری که انجام میدهند، بلکه بخاطر کاری که خدا در مسیح به جای ایشان انجام داده است (افسسیان ۲: ۸-۹). با اینکه تلاش برای نگاه داشتن شریعت، هیچکس را نجات نمیدهد، افرادی که نجات یافته اند، نجات و رستگاری خود را با زندگی بر طبق احکام اخلاقی خدا، نشان میدهند. قوانین ده فرمان بعنوان ضرورت نجات داده نشده اند، بلکه به کسانی داده شده که خدا آنها را قبلاً از اسارت مصر نجات داده بود تا آنها بدانند که بعنوان قوم نجات یافته خدا چطور باید زندگی کنند (خروج ۲۰: ۱-۲).

ج) <u>شریعت فقط بوسیله عیسی مسیح به انجام شده و به کمال رسید.</u>
آمدن عیسی مسیح، از اول تا آخر زندگیش بر این زمین، برای این بود که ضروریات عادلانه خدا برای نجات مردم را به انجام رساند (متی ۳: ۱۵؛ ۵: ۱۷؛ یوحنا ٤: ۳٤؛ ۱۷: ٤؛ ۱۹: ۳۰). با مرگ، قیام و به جلال رسیدنش، عیسی مسیح، شریعت را به عنوان ضرورت مطلق خدا برای نجات، دستور مطلق خدا برای روش زندگی و معیار مطلق خدا برای داوری و محکومیت را انجام داده و به کمال رساند. او تمامی نهادهای مانند کهانت، پرستش در معبد، جشنها و روزهای روزه، ختنه، قربانیها، هدایا و ده یک ها، دستوارت طهارت، و غیره تعیین شده در عهد عتیق (شریعت موسایی) را به انجام رساند. او تمامی پیشگوئیها (بسیاری از پیشگوئی های انجام شده در انجیل متی را ببینید)، سایه ها و تمثیلهای (عبرانیان ۹: ۸-۱۰؛ ۱۰: ۱؛ کولسیان ۲: ۱۷) مطرح شده در عهد عتیق را به انجام رساند. بطورخلاصه، عیسی مسیح تمامی شریعت را به انجام رساند (متی ۵: ۱۷). با مرگ و قیامش، عیسی مسیح شریعت را عوض کرد (عبرانیان ۷: ۱۲)، شریعت را کنار زد (عبرانیان ۷: ۱۸-۱۹)، شریعت را پایان داد (عبرانیان ۸: ۱۳)، شریعت را با تمام مقرراتش منسوخ کرد (کولسیان ۲: ۱٤) و شریعت را با احکامش لغو کرد (افسسیان ۲: ۱٤-۱۵). عیسی مسیح آمده است تا کسانی را قبلاً زیر شریعت و اسارت آن بودند، آزاد و رستگار سازد تا بتوانند فیض و مقام قانونی فرزندان خدا بودن را دریافت کنند (غلاطیان ۳: ۱۳-۱٤؛ ٤: ۵). بطورخلاصه، عیسی مسیح آمده است تا مردم را از شریعت خدا بعنوان ضرورت مطلق خدا برای نجات (عادل محسوب شدن، پذیرش) و معیار مطلق خدا برای محکومیت آزاد سازد.

۲- <u>شریعت به عنوان تعالیم روحانی خدا و دستورات اخلاقی او برای روش زندگی قوم خدا</u>

در این قسمتهای کتاب مقدس، شریعت در ابتدا به ضروریات خدا برای عادل شمرده شدن (نجات) اشاره نمیکند، بلکه به مطالبات خدا برای مقدس بودن، که همان ضروریات برای زندگی کردن بعنوان قوم عادل شمرده شده (نجات یافته) خداست.

الف) <u>شریعت به عنوان آمادگی برای نجات - شناخت به گناه را میدهد.</u>
شریعت اخلاقی (برای مثال، ده فرمان) به مردم کمک میکند تا متوجه شوند که گناه چیست (رومیان ۷: ۷). در یک طرف شریعت، قدوسیت، عدالت، نیکویی و ذات روحانی خدا را نشان میدهد، از طرف دیگر ناپاکی، ناعدالتی، شرارت و ذات فاسد و